



نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری

قطعه‌نامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نشریه ۳

ویژه کنگره دهم حزب

حکمتیست

مهر ۱۴۰۱ - اکتبر ۲۰۲۲

رفقا و دوستان با درود

به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران نزدیک می شویم. بدینوسیله نشریه شماره ۳ کنگره در اختیار نمایندگان و عموم قرار می گیرد. در این شماره اسناد ارائه به کنگره، شامل اسناد اوضاع سیاسی ایران، اوضاع جهانی، اولویتهای کمیته کردستان در اوضاع متحول کنونی، پیام به طبقه کارگر ایران و پیام به جنبش آزادی زن منتشر می شود.

از همین جا لازم است یادآور بکنیم بخصوص به نمایندگان و علاقه مندان که اگر در مورد این اسناد نظری یا نکاتی دارند با ما در میان بگذارند تا در صورت امکان اگر فرصت باشد در آخرین شماره نشریه منعکس شود.

تا برگزاری کنگره فرصت زیادی نمانده است. به امید کنگره ای موفق در این اوضاع پرمتحول و سرنوشت ساز در ایران.

سردبیر

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست

صفحه ۲

تزهائی کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم

امروز

صفحه ۵

سند پیشنهادی به کنگره دهم حزب حکمتیست

اولویت های فوری حزب در کردستان

صفحه ۹

پیام کنگره دهم حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران

نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است

برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده

شویم!

صفحه ۱۰

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

آینده از آن ماست!

نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه سرنگونی است!

صفحه ۱۲

زنده باد قیام انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



قطعه‌نامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ترهائی در باره تحول انقلابی در ایران و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

جامعه ایران در کشاکش یک انفجار عظیم، یک نبرد شورانگیز و قهرمانانه، یک تحول بیسابقه و دورانساز است. این یک تحول انقلابی است که ماهیتاً با کل تاریخ سیاسی یک قرن گذشته ایران متمایز است. این خیزش منکوب شدگان و سرکوب شدگانی است که دیگر سلطه ننگین ارتجاع اسلامی و استبداد پلیسی سرمایه را نمی پذیرند. این حرکت انقلابی نسل جدید زنان و مردانی است که آمده اند تا تاریخی نوین را بسازند. این تحولی رادیکال و ضد اسلامی است که به تغییراتی زیر و رو کننده در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده منجر خواهد شد. این تحول فی الحال دنیا را تکان داده است و سمپاتی صدها میلیون انسان پیشرو و آزدیخواه را بخود جلب کرده است. این خیزش انقلابی جنبش آزادی زن را گامها جلو برده است و میرود که الگوی آزادی زن در ایران را جهانی کند.

زنان یک آکتور اجتماعی مُم و پیشتاز این تحول انقلابی اند. در کمتر تحول توده ای و انقلابی قرن بیستم زنان اینگونه در قامت رهبر و میلیتانت ظاهر شده اند. برگرفتن دستجمعی حجاب اسلامی و به آتش کشیدن این بیرق بردگی زن امر ساده ای نیست. این آغاز تلاشی برای درهم کوبیدن جنبش تروریستی اسلام سیاسی، تحولی مهمتر از رنسانس، حرکتی پیشروتر و سیاسی تر از جنبشهای تاکتونی زنان در جهان است. هدف بلافصل خیزش عظیم و توده ای انقلابی زنان و مردان در گام اول سرنگونی رژیم اسلامی است اما به این محدود نخواهد شد. طوفان سیاسی قدرتمندی که راه افتاده است، ظرفیت اینرا دارد که کل بنیادهای ارتجاع و استبداد، کل ارکانهای ستم و تبعیض و نابرابری را درهم بکوبد.

وضعیت کنونی و چشم انداز سیر رویدادها

۱- به یمن حاکمیت جهل و جنایت سرمایه داری، ایران دومین کشور فلاکت زده جهان است. شکاف طبقاتی و تفاوت درآمدها، مقایسه دستمزد و سطح معیشت کارگران و اکثریت مردم با طبقات دارا و بورژواها، بیانگر یک گسست تمام عیار طبقاتی است. فقر روزافزون در کنار فلاکت اقتصادی، توده های دهها میلیونی طبقه کارگر را در موقعیت ویژه و غیرقابل تحملی قرار داده است. سر کار آوردن رئیسی جنایتکار تنها در یکسال فقر مطلق را چند برابر کرده و سیاست "جراحی اقتصادی" و آزاد سازی قیمتها، دورنمای تاریک تری را مقابل مردم کارگر و زحمتکش قرار داده است.

۲- تا قبل از خیزش توده ای و انقلابی اخیر، جنبش طبقه کارگر موثرترین و قدرتمندترین جنبش سیاسی و طبقاتی در صحنه سیاست ایران بود. اعتصابات و اعتراضات پرشور و گسترده معلمان، پرستاران، بازنشستگان، رانندگان، حاشیه نشینان، هنوز گوشه کوچکی از قدرت اجتماعی طبقه کارگر را منعکس میکند. خصلت این اعتراضات شکستن مرتب تناسب قوا و ترسیم افق و خواستهای جامعه است که خود را هر بار در شعارهای اعتراضات توده ای منعکس میکند. مبارزات و اعتراضات کارگری



قطننامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سیاسی راست سرنوشت خود را به جنگ و رقابت یکی از قدرتهای سرمایه داری گره زده و جمهوری اسلامی نیز در مذاکرات با دول غربی و نزدیکی با دولتهای سرمایه داری چین و روسیه، همین سیاست را دنبال میکند. سرنوشت حکومت اما در داخل کشور رقم میخورد. نه تولید بمب هسته ای و نه وارد شدن به هر ائتلاف سیاسی و اقتصادی کمکی به رفع بحران رژیم و تغییر رابطه شدت آنتاگونیسم مردم و حکومت نمیکند.

۶- عناصر حکومتی و مفسران بورژوا دیروز از "خطر" انقلاب سخن میگفتند و امروز تلاش دارند حرکت انقلابی را مسخ کنند. بورژوازی کابوس عروج پرولتاریا و کمونیسم را دارد. لذا برای ممانعت از پیامدهای اجتماعی بحران سیاسی و اقتصادی و عروج جنبش سوسیالیستی کارگران، تلاش میکنند حدالامکان بدون دخالت مردم، ملزومات دست بدست کردن قدرت و یک دولت انتقالی را از درون صفوف طبقه بورژوازی فراهم کنند. در عین حال گسترش مبارزه توده های طبقه کارگر علیه بی حقوقی و فساد سیستماتیک حکومتی، به گسترش انتقاد سوسیالیستی علیه وضع موجود کمک شایانی کرده است. اگر هر تازه ژورنالیست و تازه اقتصاددانی علیه سوسیالیسم و کمونیسم منبر میروند، این چیزی جز انعکاس وارونه پتانسیل جنبش اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر و اهداف آزادیبخش کارگری نیست.

۷- حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده رادیکال ترین انتقاد سوسیالیستی و مارکسی به وضع موجود و جزئی لاینفک از این نبردهاست. برای حزب کمونیست کارگری- حکمتیست و کمونیسم در ایران، ایندوره تعیین کننده و سرنوشت ساز است. شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر سازمانیافته با پرچم سوسیالیستی در این کشمکش حضور یابد و تصویر روشنی از معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی داشته باشد. برای هر تغییر انقلابی باید بدو از قدرت حاکم خلع ید کرد و قدرت سیاسی را بکف آورد. نبرد اساسی تازه بعد از سرنگونی برای تعیین تکلیف آینده آغاز میشود. کنگره دهم حزب به جامعه و طبقه کارگر متعهد میشود که این فرصت را از دست ندهد و با تمام قوا برای بسیج و سازماندهی نیروی پیروزی کمونیسم و انقلاب کارگری در ایران تلاش میکند.

خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب در دوره کنونی

در این راستا خط مشی سیاسی و تاکتیکی ما در ایندوران پرتحول مبتنی است بر:

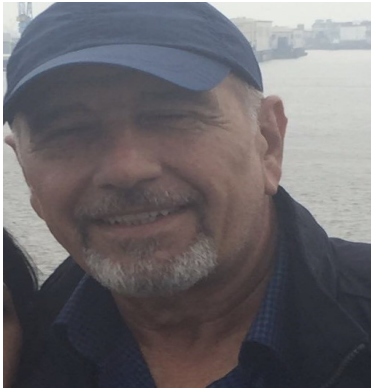
الف- تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه

علیه کارفرمایان و حکومت حافظ سرمایه، مقدمات عروج خیزش توده ای کنونی و در ادامه بمیدان آمدن جنبش میلیونی طبقه کارگر است.

۳- یکی از سوالات کلیدی جامعه ایران مسئله زن است. وجود یک حکومت اسلامی و تحمیل آپارتاید جنسی، ستمکشی زن و تقابل بیوقفه حکومت با زنان، مسئله زن را به یکی از محوری ترین جبهه های نبرد سیاسی بدل کرده است. تقابل صریح و رادیکال زنان با حجاب اسلامی و تبعیض براساس جنسیت از موضع برابری طلبی، جنبش آزادی زن را به یک رکن مبارزه سوسیالیستی بدل کرده است. ما بدرست تاکید کرده ایم که هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران رنگی زنانه دارد و به این معنا انقلاب آتی ایران، "انقلابی زنانه" است. مبارزات پرشور و گسترده علیه قتل حکومتی مهسا امینی با پیشتازی زنان همین واقعیت را تاکید میکند. واضح است، مسئله آزادی و رهائی کامل زن به پیروزی بر نظام مملو از تبعیض و استثمار سرمایه گره خورده است. ایران از نادر کشورهای جهان است که یک جنبش سرزنده کارگری علیه فقر و فلاکت و یک جنبش توفنده و رادیکال زنان برای استیفای برابری زن و مرد دارد. جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادی زن، دو رکن اساسی و رادیکال سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۴- سرنگونی جمهوری اسلامی محتوم است. نیروی اصلی سرنگونی نسل جدید، زنان آزادیخواه، دهها میلیون مردمی هستند که به فقر و فلاکت و تبعیض و سرکوب محکوم شدند. لذا اعتصابات کارگری سیر روبه رشد و کیفیت جدیدی به تناسب اوضاع انقلابی خواهند یافت و خیزشهای توده ای رادیکال زحمتکشان شهری علیه فقر و فلاکت دامنه گسترده تری خواهند یافت. هر اقدام حکومت برای تشدید فقر و سرکوب، مانند شمشیر دولبه عمل میکند و دامنه تعرض انقلابی و توده ای به حکومت را بمراتب گسترش میدهد. حکومت اسلامی در متن تشدید بحرانهای حاد و فساد بی حد و حصر، بیش از هر زمان نامشروع تر، بی افق تر و ناتوان از تامین حداقل نیازهای پایه ای شهروندان است.

۵- مسئله بقای نظام و سرکوب اعتراضات روبه رشد جاری محوری ترین سوال حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی با بازی در شکاف و رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای و اتکا به تروریسم، تلاش دارد تضمین بقای حکومت را بگیرد. در اوضاع جهانی امروز، بازیگران صحنه سیاست ایران محدود به کارگران و توده مردم با رژیم اسلامی نیست. در دنیای امروز هر نیروی



قطعه‌نامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مردان آزادیخواه، در ابقای تبعیض و استبداد و استثمار ذینفع نیستیم بلکه تنها نیروی نفی این اوضاعیم. اما طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن گُل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است گُل جامعه را از قید بردگی مُزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند. این امر تنها با کمونیسم ممکن است. هیچ زمان مانند امروز کمونیسم به نیاز طبقه کارگر و مردم محروم جهان تبدیل نشده است.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده پرشور این کمونیسم است. کنگره دهم حزب، رهبران کمونیست طبقه کارگر و کارگران مبارز، زنان جسور و انقلابی و سوسیالیست ها را به اتحاد و تشکل تحت پرچم کمونیستی حزب فرامیخواند. دنیای امروز در متن جنگ و رقابت امپریالیستی و رکود اقتصادی نیازمند صفتبندی ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی طبقه کارگر و انقلاب علیه کلیت حاکمیت سرمایه است. ایران بنا به شرایط و مشخصات سیاسی اش، مناسب ترین کاندید برای این پیروزی است. پیروزی کارگر و کمونیسم در ایران کمونیسم را در جهان احیا میکند.

پیشنهاد دهندگان: سیاوش دانشور، عبه دارابی، همایون گدازگر، سعید یگانه

سپتامبر ۲۰۲۲



کارگر و اردوی سوسیالیست ها از جنبش ها و صفوف بورژوازی. ب- جدال بیوقفه برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در تحولات جاری بمثابه یک رکن قدرتگیری کمونیسم. پ- ظاهر شدن بمثابه قدرت آلترناتیو. نه قاطع به هر راه حل بورژوائی، برای حاکمیت کارگران و شوراها. ت- مبارزه آگاهانه برای تغییر مُستمر مُعادلّه تناسب قوا، عقب راندن دستگاه سرکوب و کشمکش برسر قدرت سیاسی. ث- استقرار قدرت حزبی و کارگری به هر میزان و هر جا که ممکن است؛ در کارخانه ها و مراکز کار، در شهرها و محلات و محیط زندگی، با اتکا به شوراها، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی و توده ای.

ج- درهم شکستن نقطه سازشهایی که جنبشهای بورژوائی در سیر مبارزه مردم طرح میکنند. علیه بند و بست نیروهای راست از بالای سر مردم.

چ- جنگ بی‌امان با ناسیونالیسم و ملی گرایی، با پوپولیسم و اپورتونیسیم، افشا و انزواى سیاست ارتجاعی "همه باهم" و "آشتی طبقاتی".

ح- علیه خاگریزهای بورژوازی در دوران گذار انقلابی مانند "مجلس موسسان" و "مجلس ملی".

خ- سیاست سرنگونی هر دولت بورژوائی تا درهم کوبیدن کامل ماشین دولتی و ارکان قدرت بورژوازی.

د- کمک به سازماندهی و عروج یک جنبش قدرتمند شورائی، گسترش مجمع عمومی و ارتقای آن به یک جنبش مجمع عمومی بمثابه رُکن اساسی شوراهاى کارگری. کمک به تشکیل شوراهاى مردمی بمثابه ارگان حاکمیت مستقیم مردم.

ذ- کمک به ایجاد سازمانهای مُستقل توده ای زنان، سازمانهای توده ای مردم زحمتکش در محلات و مراکز آموزشی.

ر- بسیج نیروی کمونیسم ایران و انقلابیون و سازماندهی قیام برای سرنگونی با یک پرچم کارگری و چپ.

ز- تسلیح عمومی کارگران و مردم زحمتکش برای دفاع از دستاوردهای قیام.

ژ- تلاش برای شکل دادن به دولت برآمده از قیام بمثابه دولت قیام کنندگان، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری.

...
ایران در یکی از حساس ترین دوره های تاریخ یک قرن گذشته قرار دارد. از میان آکتورهای سیاسی، طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی اش یگانه نیروی اجتماعی برای خاتمه دادن به اوضاع مشقت بار کنونی است. ما و طبقه کارگر، ما و زنان و



تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و

مصافهای کمونیسم امروز

۱- جهان دستخوش تحولات شگرف و بزرگی است. نظم کاپیتالیستی سراپا تبعیض و استثمار و جنگ و ناامنی و رقابت دوره گذار خطرناکی را طی میکند. بازتعریف چهارچوبهای اساسی نظم جهانی کنونی شکل گیری ائتلافهای گوناگون اقتصادی، سیاسی توسط بلوک های قدرتمند مانند بریکس، پیمان شانگهای، جنگ در اوکراین و کشمکش قدرتهای کاپیتالیستی آمریکا و چین بر سر مناقشه تایوان و خطر جنگی بزرگ، میلیاردها انسان روی کره زمین را در نگرانی عمیق فرو برده است.

۲- ایدئولوگها و مفسران مصلحت گراو خام اندیش بورژوازی تغییر سیمای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان و تحولات بزرگ و خطرناک در حال جریان را محصول جنگ در اوکراین معرفی میکنند، قضیه بر عکس است، خود این جنگ و پیامدهای آن محصول تغییر معادلات قدرتهای بزرگ جهانی سرمایه داری بعد از فروپاشی بلوک شرق است. در عین حال این جنگ و کشمکش قدرتهای بزرگ سرمایه داری همانند همه موارد مشابه در تاریخ همواره در خدمت به حاشیه راندن جنگ پایه ای و اجتناب ناپذیر طبقاتی گاه نهان و اکنون عمدتاً آشکار به وسعت دنیا است. بورژوازی جهانی میخواهد جهان چند قطبی کاپیتالیستی سیال و بی ثبات را به بشریت تحمیل کند، تا جهان دو قطبی ریشه دار، چهره دو قطب طبقاتی متمایز و متقابل بورژوازی و پرولتاریا و متحدانشان در اقصی نقاط دنیا را به حاشیه براند. به حکم شرایط عینی پایدار جدال طبقاتی و اجتماعی جاری در اینکار موفق نخواهند شد.

۳- وقتی که در عصر فراوانی و پیشرفت سرسام آور صنعت و تکنولوژی و جهانی شدن سرمایه، دو قطبی حاد فقر و ثروت، گسترده تر و عمیق تر میشود، وقتی که تحمیل دایمی فقر میلیاردی از سویی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست اقلیت معدود سرمایه داران متکی به دولت و کل ابزارهای سرکوب و سلب اراده از مردم از سوی دیگر، زندگی میلیاردها شهروند کره زمین را مداوماً به سمت نابودی میکشاند، تشدید جدال طبقاتی و سیاسی اجتناب ناپذیر است. از منظر طبقه کارگر و مردم تحت ستم، از منظر کمونیسم کارگری عرصه اصلی جنگ و نبرد طبقاتی و سیاسی علیه بورژوازی و دولتها و قدرتهای بزرگ

۴- شروع جنگ در اوکراین پاسخی به معادلات از قبل در حال تغییر جهان معاصر است، و تاکنون صف آرایی و رقابت و تنش قدرتهای امپریالیستی را به نقطه خطرناکی سوق داده است. با توجه ایدئولوژیکی و بی پایه "منافع و مصالح ملی" رقابت فزاینده و خطرناک قدرتهای بزرگ سرمایه داری اساساً بر سراققتصاد و کسب سودورزی نجومی و سیری ناپذیر حل و فصل میشود. هر کدام به منظور دست بالا پیدا کردن در حوزه اقتصاد و سهم بری بیشتر از اقتصاد جهانی و در واقع تصرف بیشتر ارزش اضافه حاصل کار طبقه کارگر تلاش میکنند. این رقابت اقتصادی استثمارگرانه به عرصه تجاری و سیاسی و دیپلماتیک و معاملات بند و بست و کشمکشها و جنگهای خطرناک سوق پیدا میکند. بر این اساس برای روسیه و متحدانش به مصاف طلبیدن نظم جهانی مورد نظر آمریکا و تعیین تکلیف مسائل ژئوپولیتیک و امنیتی موضوعیت جدی دارد.

۵- در آغاز دهه آخر قرن بیستم، نظم تک قطبی ادعایی آمریکا و طرح "نظم نوین جهانی" به منظور تحمیل و تثبیت هژمونی اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بعد از فروپاشی بلوک شرق برای مدت کوتاهی بر جهان تحمیل و اما تثبیت نشد. افول موقعیت اقتصادی و سیاسی آمریکا در دو دهه اخیر و سپس شکست استراتژی برتری طلبی نظامی آمریکا که با عقب نشینی از افغانستان و عراق و خاورمیانه قطعیت پیدا کرد، در عین حال قطبهای کاپیتالیستی بزرگ جهانی درگیر در این کشمکش را در پیمانها و اتحادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جدید و در حال گسترش به میدان آورده است. دنیای سرمایه داری بسوی یک تجدید نظر تمام و کمال در آرایش اقتصادی و روبروای سیاسی، اداری و فرهنگی خود پیش میرود. دوره تاریخی جدید نه دوره ثبات و نظم و روشنی، بلکه دوره بی ثباتی، اغتشاش و ابهام است.

۶- آمریکا، چین، روسیه، اروپای واحد، ژاپن، هند و بعضی از دولتهای بورژوازی و هم پیمانان آنان در سطح جهانی و منطقه ای و محلی هر کدام یک طرف این جدالند و در



تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و

مصافهای کمونیسم امروز

هیئت حاکمه روسیه و پوتین را به جلو صحنه جنگ در اوکراین رانده است. در جبهه مقابل ائتلاف جنبش دست راستی بورژوا پروغربی و بخشا فاشیستی در اوکراین مدافع ادغام در اتحادیه اروپا و پیوستن به ناتو و به علاوه عظمت طلبی جهانی امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی متکی به افسار گسیختگی اقتصاد بازار صف آرایی کرده اند. این جنگ به وضوح پیامدهای فاجعه بار و مهیبی را علیه کارگران و مردم در روسیه و اوکراین و سراسر جهان ببار آورده است. این جنگ از هر دو سو ارتجاعی و ضد کارگری و علیه بشریت است و توقف فوری آن خواست عمیق و گسترده توده کارگر و مردم و بشریت مترقی است.

۹- طبقه کارگر در روسیه و اوکراین نقطه مقابل منافع خود، بدون اینکه هیچ نقشی در راه اندازی و یا توقف آن داشته باشند، درگیر این جنگ اند. این جنگ و همه جنگهای امپریالیستی و ارتجاعی بر دوش طبقه کارگر سازماندهی شده است. تولید سرمایه و امکانات و پول و ابزار و آلات جنگی مورد نیاز قدرتها و دولتهای جنگ طلب و فاجعه بارتر از آنها تامین نیروی انسانی لشکرهای جنگی را عمدتاً طبقه کارگر تامین میکند. این محصول دردناک و ارونگی نظم موجود و طبقه کارگر به اسارت درآمده توسط ایدئولوژی و سیاست و کارکرد گرایشات بورژوازی و در رأس آنها افق و سیاست ناسیونالیستی زیر لوای "ملت و هویت ملی و منافع ملی" است. تا زمانی که طبقه کارگر در روسیه و اوکراین و هر جای جهان خود را از زیر بار ایدئولوژیها و سیاستهای خرافی و به ویژه ملی گرایی و ناسیونالیسم رها نکند، طبقه کارگر به سیاهی لشکر جنگ قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی و ضد کارگر تبدیل میشوند. طبقه کارگر تنها با اتکا به سیاست سوسیالیستی، با نقد و دور انداختن طوق ملی گرایی و هویت ملی و طرد لشکر نظامی بورژوازی خودی و پافشاری بر هویت انسانی میتواند، خود را از زیر بار جنگ فاجعه بار سرمایه داران رها کند.

۱۰- فراتر از معضل جنگ در اوکراین، خطر وقوع جنگهای امپریالیستی بیشتر در جهان وجود دارد. تداوم رقابت شدید غولهای اقتصادی دنیا، انعکاس بلاواسطه آن در کشمکش سیاسی و تجاری و دیپلماتیک و بن بستهای موجود، که مناقشه موجود بر سر تایوان یک نمونه برجسته آنست، مضافاً وجود کانونهای بحرانی انباشته از معضلات قدیم و جدید به ویژه در خاورمیانه، خطر جنگ جهانی را به جلو صحنه رانده است. سودورزی سیری ناپذیر سرمایه امپریالیستی و رقابت فزاینده بر سر آن، چنین کارکرد ویرانگری را در مقابل بشریت قرار داده است.

صفحه ۷

پیشبرد سناریوی بی ثباتی و اغتشاش علیه بشریت شرکت دارند. حکومت بورژوا امپریالیستی چین اساساً متکی به کارآرزان طبقه کارگر قطب در حال صعود اقتصادی قرن بیست و یکم است که پا به صحنه این رقابت بویژه در عرصه اقتصادی گذاشته و چشم انداز و ادعای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را دارد. کشمکش و تقابل دولتهای آمریکا و چین محور تقابل قدرتهای کاپیتالیستی این دوران و آینده جهان را ترسیم میکند. روسیه تحت هدایت پوتین ناتوان از رقابت اقتصادی موثر در سطح جهانی و متکی به قدرت نظامی، از جمله با وارد شدن در جنگ اوکراین سهم بیشتری را در باز تعریف معادلات جهانی میخواهد. سهم خواهی ائتلاف روسیه و چین در مقابل امپریالیسم آمریکا و مؤتلفین اروپایی اش و کانادا، ژاپن و استرالیا جهان را در مسیر جنگهای امپریالیستی بیشتر سوق میدهد.

۷- رقابتهای مخرب قدرتهای جهانی برای سهم ببری و کسب هژمونی در جهان چند قطبی که امکان تبدیل شدن به نظم باثبات جهانی را نخواهد داشت، همانند اثرات مصیبت بار جهان دو قطبی و سپس تک قطبی سپری شده، از خلال جنگ ها و مانورهای مشترک نظامی و بند و بست های آنان با دولتهای ارتجاعی هم پیمان خود در مناطق مختلف و تهدید به بکارگیری احتمالی بمب هسته ای، مانند شمشیر داموکلس روی سر مردم جهان قرار داده اند، که بر خلاف تبلیغات دروغین ایدئولوژیهای بورژوازی نه تنها دنیا را به طرف "صلح و ثبات" نمیرد، بلکه گسترش ناامنی، میلیتاریسم و جنگ، تروریسم دولتی و غیر دولتی، فقر و تبعیض و گسترش جاهلانه ترین افکار و سیاستهای افراطی همچون راسیسم و فاشیسم و نژاد پرستی و خرافه های ملی و مذهبی را به همراه دارد.

۸- جنگ در اوکراین یک حلقه انفجاری از کشمکش و تقابل ادامه دار قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی است. جغرافیای اوکراین صحنه مستقیم وقوع جنگ است، اما در دو سوی این تراژدی همه قدرتهای بزرگ امپریالیستی به نحوی از انحاء صف آرایی کرده اند. از یک سو هیئت حاکمه روسیه با هدف احیای قدرت جهانی از دست رفته به دنبال فروپاشی شوروی و در سوی مقابل هیئت حاکمه آمریکا و ناتو به بهانه حمایت از دولت دست راستی پروغرب اوکراین، به منظور احیای سرکردگی جهانی از دست رفته صف آرایی کرده اند. پشت صحنه صف بندی دولتها و ارتشهای آنها ما شاهد عرض اندام جنبشهای بورژوازی و ناسیونالیستی ضد کارگر و ضد آزادیخواهی هستیم. ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه ناراضی از موقعیت جهانی کنونی خود، کل

آموزش رایگان برای همگان!

تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و

مصافهای کمونیسم امروز

تنها نیروی سدکننده چنین کابوسی طبقه کارگر آگاه و بشریت مترقی رها یافته از افق و سیاست و مفروضات بورژوازی و متکی به راه حل آزادیخواهانه و سوسیالیستی است، که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رقابت ویرانگر بر سر انباشت سرمایه به دست اقلیت استثمارگر سرمایه دار و قدرتها و دولتهای سرمایه داری را از دست آنها بگیرد.

۱۱- استثمارگری خشن سرمایه داری جهانی و معاصر نقشه‌ی برای اندک مانورهای جناح چپ ناسیونال رفرمیسم بورژوازی، آنچه تاریخاً زیر نام "سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم بورژوازی" شناخته شده بود، باقی نگذاشته است. در چهار دهه اخیر در همه کشورهای سرمایه داری تفوق افق و سیاست و کارکرد جناح دست راستی بورژوازی و سترونی جناح چپ بورژوازی را شاهدیم. این روند با عروج ریگانیسم و تاجریسم و دست بالا پیدا کردن اقتصاد بازار آزاد و تعرض وسیع و شنیع به معیشت و سلامت و بهداشت طبقه کارگر و همه دستاوردهای این طبقه در سطح جهانی و کشوری و محلی رقم خورد. هم اکنون راست ترین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی بورژوازی حتی آنجا که ظاهراً بازمانده های سوسیال دموکراسی و احزاب شبهه سوسیالیست میانه در قدرت هستند، بر شرایط زندگی و کار طبقه کارگر و مردم محروم حاکم است. نه فقط در کشورهای استبداد زده و متکی به کار ارزان، بلکه در آمریکا و اروپای صنعتی و پیشرفته، نیز به عمیق تر شدن هرچه بیشتر شکاف و فاصله طبقاتی مابین فقر و ثروت و بر بستر آن دامن زدن به فاصله عمیق طبقاتی، شکل دادن به شکافهای ملی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و تقویت راسیسم و فاشیسم و مذهب منجر شده است.

۱۲- بر این بستر و در نتیجه عقبگردهای تحمیلی بورژوازی، رشد راست افراطی و خطر فاشیسم بیش از پیش زمینه پیدا کرده است. این ترند در کشورهای غرب عموماً بعنوان "سوپاپ اطمینان" راست در قدرت عمل میکند. مردم را مجبور میکنند از ترس راست افراطی به انتخاب راست غیر افراطی رأی بدهند. عروج راست افراطی و فاشیسم قیل از هر جا در آمریکا و اروپا به عنوان کشورها و قدرتهای پیشرفته صنعتی متکی به "دموکراسی پارلمانی" و تاثیرگذار بر جهان معاصر، محصول سیاستهای بورژوازی است. تأثیرات این پدیده را در چهار دهه اخیر در گرایش به قدرت گیری بیش از پیش سیاستهای راست ترین جناحهای بورژوازی در پروسه های ظاهراً "مقبولیت" یافته پارلمانی و "انتخاباتی" در کشورهای غربی، شاهدیم. دموکراسی از مجرای "انتخابات"، فاشیستها را بقدرت میرساند. هیتلر هم با انتخابات سرکار آمد.

۱۳- فجایع انسانی انبوه که سالانه میلیونها انسان را به کام مرگ میکشد، مستقیماً زاده کارکرد سرمایه داری و نظم متکی به استثمار انسان به دست انسان است. فقر مطلق و گرسنگی به نحوی که طبق همین آمارهای سازمان ملل شان سالانه فقط دو میلیون کودک از گرسنگی و تامین نان خشک جان میسپارند. به علاوه در زمینه های مورد اشاره زیر، بشریت با تبااهی و نابودی روبرو است.

الف: **سلامت و بهداشت:** سودپرستی سرمایه در عرصه سلامت و بهداشت و پزشکی و ترجیح آن بر حیات انسان از حقایق تلخ نظم وارونه کنونی و یک تهدید علیه حقوق بدیهی و زندگی بشر امروز است. این واقعه تلخ را در جریان شیوع ویروس کرونا و ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید- ۱۹ دنیا تجربه کرد.

ب- **محیط زیست:** معضل زیست محیطی، و اثرات مخربی که بر همه وجوه حیات در کره زمین گذاشته حاصل کارکرد سرمایه در خدمت کسب سود است. تا این کارکرد هست، تخریب محیط زیست هم ادامه خواهد یافت. یکی از عوارض مخرب جنگ در اوکراین بایگانی شدن آن اندک تعهداتی بود که قدرتهای سرمایه داری در کنفرانس پاریس و نشست Cop26 در اسکاتلند به آن متعهد شده بودند. حفظ محیط زیست سالم هم در گرو تعیین تکلیف قطعی با عملکرد نظم وارونه سرمایه است. تغییرات زیست محیطی حاصل کارکرد سرمایه و افزایش گازهای گلخانه ای و بالا آمدن سطح دریاها نیز به فاجعه مهاجرت دامن زده است.

ج- مهاجرت و آوارگی میلیونی هر ساله حاصل فقر و گرسنگی و جنگ و ناامنی روزمره مستقیماً توسط نظم سرمایه داری حاکم به بشریت تحمیل شده است. پدیده دردناکی که سالانه زندگی و جان هزاران انسان را در جهان به کام خود فرو میبرد. دیوارکشی و بستن مرزها توسط قدرتها و دولتهای بزرگ کاپیتالیستی مسبب این اوضاع بر روی مهاجران از آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین و جنوبی بر ابعاد تکان دهنده این فاجعه انسانی افزوده است

۴- **دو راهی بربریت یا سوسیالیسم:** مصافهای کمونیسم امروز سرمایه داری جهانی با گسترش خود به اقصی نقاط دنیا، فقر شدید و انبوه، تبعیض و نابرابری، تروریسم و جنگ و ناامنی و استثمار انسان به دست انسان را به اوج تبااهی رسانده است. بر راستی دنیا بر دوراهی سوسیالیسم و یا بربریت قرار گرفته است. ورق را باید برگرداند. این دستور کار کمونیسم مارکسی و کمونیسم کارگری معاصر برای تعیین تکلیف با بورژوازی در هر کشور و در سطح بین المللی است. مصافهای کمونیسم امروز از اینجا استنتاج میشود. بر این اساس:

الف: بیش از پیش دوره سازماندهی و احیای تعرض کمونیستی کارگری ماکسیمالیست به کل پایه ها و بنیادها و ایدئولوژی و افکار و ساختارها و دولتهای سرمایه داری است. برخلاف تمامی نقدهای نیم بند چپ نقد و تعرض کمونیستی نمیتواند و نباید به خصلتهای روبنایی و مقطعی و تاکتیکی نظم سرمایه محدود شود. نقد و تعرض کمونیستی ما دست به ریشه میبرد، لغو کار مزدی و امحای استثمار و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل سرمایه را در دستور کار دارد.

ب- گردآوری نیروی طبقه کارگر خودآگاه، متحد

نزهای کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و

مصافهای کمونیسم امروز

است. این امر کمونیستهایی است که چشم به قدرت گیری کارگری و تحقق انقلاب کارگری و ایجاد جامعه نوین کمونیستی دوخته اند.

۱۶- جامعه ایران در آستانه تحول انقلابی سرنوشت سازی است. ما بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیستی- کارگری و جنبش آزادی زن در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم توده ای برای آزادی و برابری و رهایی انسان فراهم شده واقفیم. تحول انقلابی جاری با حضور جسورانه زنان آزادیخواه در دو هفته اخیر در خیابانها و حجاب سوزان آنها در اعتراض به قتل مهسا امینی اثرات جهانی و منطقه ای مهمی را دنبال داشته است. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی فضای مساعدی برای تقویت و عروج آلترناتیو کمونیستی در دیگر کشورهای جهان فراهم میکند.

۱۷- ما اعلام میکنیم بیش از این بربریت کاپیتالیسم را تحمل نمیکنیم. فقر و تبعیض غیر قابل تحمل بر جهان را نمیپذیریم. به مثابه کمونیسم طبقه کارگر قصد نداریم به دور جدید میلیتاریسم و تروریسم و جنگ و رقابت قطبهای بورژوازی که جهان را با مخاطرات جدی ای رو بر کرده اند، تن دهیم. ما به راسیسم و قومپرستی و مذهب گردن نمیگذاریم. ما در خاورمیانه قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را تحمل کنیم، ما سیاست ساقط کردن حاکمیت بورژوازی و سرنگونی حکومتهای اسلامی و مستبد و پلیسی و مستقیمان سرنگونی جمهوری اسلامی را داریم. ما بر سازماندهی فوری انقلاب کارگری و بنیاد گذاشتن حکومت کارگری در ایران پای می فشاریم. ما عروج نسلی جدید از احزاب کمونیستی کارگری و انقلابی و مارکسیست را از نیازهای حیاتی این دوره مهم تاریخ بشر میدانیم. ما طبقه کارگر و مردم آزاداندیش جهان را به سوسیالیسم بعنوان تنها راه نجات بشریت فرامیخوانیم.

پیشنهاد دهندگان: رحمان حسین زاده - جمال کمانگر

دوم اکتبر ۲۰۲۲



و سازمانیافته به منظور سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری مصاف فوری کمونیستها و یگانه راه رهایی بشریت از فجایع نظم سرمایه است.

ج- نبرد بی امان علیه ملی گرایی و هویت ملی و ناسیونالیسم که در این دوران یک بار دیگر زیر لوای "منافع و مصلحت ملی" نه تنها جنگهای ویرانگر راه اندازی میشود، بلکه شنیع ترین نوع تعصبات و تعرض به حقوق اولیه انسان توجیه میشود. یک شرط اساسی رهایی طبقه کارگر و بشریت از انقیاد کاپیتالیسم به حاشیه راندن "طوق هویت ملی و ملی گرایی دست ساز ناسیونالیسم" و برملا کردن محتوای طبقاتی خرافه "منافع ملی" به مثابه منافع طبقه حاکمه بورژوازی که ریاکارانه در زوروق "منافع عموم" به جامعه تحمیل میکنند.

د- پیشبرد سیاست کارگری و کمونیستی علیه جنگهای ضد کارگری و ضد مردمی مستقیم و یا نیابتی جاری قدرتهای امپریالیستی و دولتهای سرمایه داری، پافشاری بر این واقعیت که طبقه کارگر به نیروی ذخیره جنگ بورژوازی نباید تبدیل شود.

۱۵- جنبش اعتراضی ضد سرمایه طبقه کارگر در جهان و به ویژه در کشورهای مهم کاپیتالیستی قدرتمند است. برمتن بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ و در سه ساله بعد از آن به یمن اعتراضات کارگری در فرانسه و کشورهای دیگر به کاهش دستمزدها و بیکارسازیها و افزایش سن بازنشستگی، مقابله با تشدید فشار بر بخش شاغل طبقه کارگر و تحمیل سیاست "ریاضت کشی اقتصادی" از طرف دول بورژوازی، شکل گیری موجی از اعتراضات علیه فقر، تبعیض و نابرابری را در آمریکا و کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین بودیم. فاجعه کرونا و تبعات آن وقفه ای در روند روبه گسترش اعتراضات کارگری و توده ای علیه وضع موجود ایجاد کرد، اما بار دیگر در همین یکسال اخیر در کشورهای مهم اروپایی از جمله انگلستان و آلمان و فرانسه و ... شاهد موج جدید اعتصابات و اعتراضات کارگری هستیم. مساله مهم اینست، در اکثر کشورها و در همین دو دهه این جدالهای اجتماعی و اعتراضی با محوریت طبقه کارگر و مردم محروم علیه سرمایه داری به عنوان منشاء فقر و تبعیض و نابرابری است. اما این جایگاه اجتماعی - مبارزاتی قوی طبقه کارگر متأسفانه با حضور نمایندگان و پرچمداران کمونیسم کارگری، جنبش و تحزب کمونیستی این طبقه، در صحنه سیاسی خوانائی ندارد. این خلاء موجود در رهبری طبقه کارگر بر اعتراضات و تحولات سیاسی اکنون و آتی در کشورهای سرمایه داری است. پرکردن این خلاء از کانال ایجاد احزاب کمونیستی کارگری یکی از مصافهای تعیین کننده جنبش کمونیسم کارگری

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!



سند پیشنهادی به کنگره دهم حزب حکمتیست

اولویت های فوری حزب در کردستان

قیام اخیر جامعه ایران و خودنمایی شهرهای کردستان در آن، یکبار دیگر این ادعای ما در مورد پتانسیل نیروی اجتماعی چپ و خواستهای رادیکال آن در کردستان را به نمایش گذاشت. این گرایش اجتماعی در جامعه کردستان که حاصل ۴ دهه فعالیت و رویارویی در عرصه های گوناگون علیه جمهوری اسلامی است، در شرایط انقلابی حاضر وظایف فوری و خطیری را از ما میطلبد. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست رژیم، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است و ما باید برای جواب دادن به آن آماده باشیم.

سابقه و موقعیت و توانایی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان، یک پایه مهم قدرت کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است و باید، نقش تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم و حزب ما در جدال سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی ایفا کند.

جمهوری اسلامی در سرانجام سقوط قرار گرفته است با سرنگونی این رژیم کل بساط اسلام سیاسی در کردستان و منطقه بکلی تضعیف خواهد شد. و این شرایط، ما را به دخالتگری و ایفای نقش تعیین کننده فرامیخواند. در این مسیر برای جوابگویی به اوضاع کنونی نیروهای راست و چپ الترناتیوهای خود را به پیش می برند.

در کردستان یکی از الترناتیوها، ناسیونالیسم کرد و احزاب هستند که بنا به ماهیت طبقاتی شان همیشه در برابر منافع کارگران و زحمتکشان قرار گرفته و برای سهم شدن در بخشی از قدرت مداوما در بند و بست و سازش با جمهوری اسلامی و خویشاوندی همیشگی با اسلام سیاسی که جزو خصوصیات طبقاتی آنهاست، با مطالبات رادیکال قیام کنونی مردم خوانایی ندارد.

کمونیست ها در کردستان

جنبش کمونیستی و کارگری در جامعه کردستان يك جنبش زنده، قائم به ذات و اجتماعی است. این جنبش حاصل تحولات اجتماعی - طبقاتی و بخصوص نقش کمونیستها در کردستان است. حضور کمونیست ها و کارگران را میتوان در تمامی اعتراضات و خیزش های انقلابی دید. خیزش اخیر جامعه ایران که مردم کردستان نقش چشمگیری در آن داشتند با شعارها، رادیکالیسم و دفاع از حقوق زن مربوط به جبهه چپ و آزادیخواهی در کردستان است و به شهادت حدودا ۴۴ سال مبارزه علیه جمهوری اسلامی، جبهه راست و ناسیونالیست با آن بیگانه و حتی مخالف آن

بوده اند. این جنبش هم اکنون و در خیزش اخیر در کردستان، ستون اصلی رویارویی علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

برای جوابگویی به این اوضاع اقدامات زیر را بعنوان اقدامات فوری باید در دستور کمیته کردستان حزب حکمتیست قرار گیرد:

۱- نمایندگی کردن پلاتفرم "نه" مردم به کلیت جمهوری اسلامی.

۲- نامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی.

۳- سازماندهی تشکل های توده ای، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی.

۴- کنترل محلات: خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی.

۵- گارد آزادی: احیا و گسترش ظرفیت و پتانسیل گارد آزادی. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی.

۶- به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان. خنثی کردن نقشه ها و طرحها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست.

۷- کسب آمادگی برای جوابگویی به اوضاع اضطراری .

۸- ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی و شوراهای دیگر سازمانهای توده ای رادیکال.

۹- خنثی کردن توطئه ها و بند و بستهای احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد.

۱۰- سازماندهی نیروی مسلح شوراهای مردم، متکی بر آموزش نظامی عمومی.

۱۱- تلاش برای شکل دادن به قطب نیروهای چپ و کمونیست در کردستان.

پیشنهاد دهندگان: صالح سرداری، همایون گزازگر، اسماعیل ویسی



پیام کنگره دهم حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

داده است. این بسهم خود شرایطی را برای دخالت گسترده و انقلابی طبقه کارگر فراهم کرده است که ابتکار عمل سیاسی را در دست بگیرد و امر سرنگونی حکومت اسلامی را به نفی تمامیت نظم سرمایه ارتقا دهد.

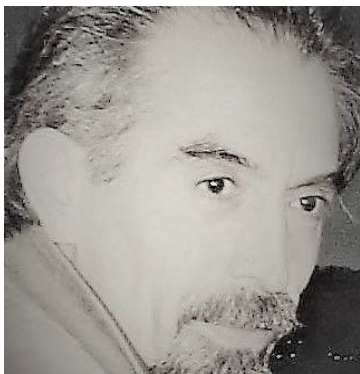
اعتصابات و اعتراضات شکوهمند بخشهای مختلف کارگران، معلمان و بازنشستگان در دوره اخیر، اگرچه با هزینه زیادی برای پیشروان این مبارزات تمام شده است، نه فقط عقب نشینی هائی به حکومت تحمیل کرده بلکه در ایجاد آگاهی عمومی و ضرورت گسترش مبارزه متحدانه برای پیشروی نقش ایفا کرده است. خصلت ضد سرمایه داری و ضد تبعیض مبارزات کارگری در کلیه شاخه های آن، علیرغم کمبودهائی که اینجا و آنجا دیده میشود، تکیه گاه مهمی است که تاکنون اجازه سواستفاده به موج سواری نیروهای راست و اپوزیسیون بورژوائی نداده است. مبارزات کارگری در شرایط امروز بدرست از درجه خواستهای بلافصل رفاهی و بیرون کشیدن حقوق پامال شده از حلقوم سرمایه داران و دولت حامی آنها صورت میگیرد. این مبارزات خود عامل تغییر تناسب قوا، گسترش کمی و کیفی آن، همبندطور بسیج افکار عمومی و مردم ناراضی و ستمدیده روی خواستهای واقعی است. سوال اصلی برای طبقه کارگر ایران در جامعه ملتهب کنونی تنها تحقق خواسته های بلافصل نیست بلکه فتح سنگرهای جدید و از نظر سیاسی در راس جنبش عمومی قرار گرفتن برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. تحقق کامل همین خواستهای بلافصل نیز به رادیکالیزه شدن اعتراضات و ابراز وجود قویتر طبقه کارگر در مقیاس جامعه گره خورده است. لذا در ایندوران سرنوشت ساز و متحول که سیاست کل بورژوازی در حکومت و در اپوزیسیون، تداوم و بازسازی شرایط استثمار خشن و استبداد و نابرابری سرمایه داری است، طبقه کارگر راهی جز نفی کل اوضاع مشقت بار کنونی ندارد.

کارگران در ایندوران بیش از هر زمان به شکل و تحزب، به راه حل طبقاتی بمثابه آلترناتیو حکومتی نیاز دارند. در دوره حاضر جنبش کارگری توانسته است با اتکا به مجمع عمومی و عمل مستقیم توده کارگران، خلاء ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری را بدرجه ای جبران کند و به نیازهای روز مبارزه کارگری جواب دهد. ضروری و مبرم است که این مسیر آگاهانه دنبال شود. گسترش و منظم کردن مجمع عمومی،

ایران صحنه مبارزه پرشور توده ای و قهرمانانه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب برای سرنگونی رژیم اسلامی است. جنبش توده ای و رادیکالی که راه افتاده است، میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده اجتماعی، به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی، به حرکتی برای آزادی جامعه بدل شود. امروز جنگ برای سرنگونی رژیم اسلامی و درهم کوبیدن حاکمیت جهل و تبعیض سرمایه بوسعت ایران با قدرت و شهامتی ستودنی در جریان است. زمینه خیزش های توده ای و ایجاد این شرایط را مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، فرهنگیان، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه و مردم عاصی از تبعیض و ستم فراهم کرده است. زمان ایفای نقش طبقه کارگر و کوبیدن مهرش بر تحولات جاری فرا رسیده است.

مبارزات کارگری و برآمدهای توده ای مردم زحمتکش علیه وضع موجود، مبارزه علیه فقر و فلاکت، اعتراض به تبعیض و گرانی، همصدائی گسترده برای حق سلامتی و آموزش و بهداشت، مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، ایران را به جامعه اعتراضات پیشرو و آزیخواهانه بدل کرده است. کمتر کشوری در جهان هست که اعتصاب کارگری و خیزش توده ای در مقیاس ایران جریان داشته باشد. این در شرایطی است که سرکوب لجام گسیخته، ممنوعیت احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری، حق شهروندان برای تشکل و ابراز وجود سیاسی ممنوع است و هر تلاش آزاداندیشانه برای بهبود و تغییر با سد دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی روبرو میشود.

قریب ۳۰۰۰ اعتصاب بزرگ و کوچک در سال، جدال روزمره علیه تبعیض و بیحقوقی و فساد و اختناق، خیزشهای توده ای برای نان و آب و نیازهای اولیه مردم، توازن قوای سیاسی را تغییر داده و موانع سرکوب را بدرجه ای عقب نشانده است. سراسری شدن اعتراضات کارگری در شکل رشته ای و متعاقب آن ایجاد هم جیتی و همزبانی وسیع تر بخشهای مختلف مردم معترض در خواستها و شعارها، پیشروی شایان و مسیری است که تاکنون طی شده است. تغییر تناسب قوای سیاسی، به همان درجه ای که تاکنون ممکن شده است، حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی صدها رهبر سیاسی، عملی و اجتماعی است. امروز اما جامعه با تعرض زنان علیه حجاب و آپارتاید، حکومت را در آستانه سقوط قرار



پیام کنگره دهم حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران

نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

سراسری فردا در حکومت انقلابی و کارگری قرار داد. رفقای کارگر، فرهنگیان، بازنشستگان، رهبران عملی و اجتماعی کارگری و مبارزات توده ای، مردم رنج دیده و منکوب شده تحت حاکمیت سرمایه، زنان و مردان آزادیخواه و ضد تبعیض، این حزب شماست! نبض این حزب با جنبش طبقه کارگر و امر آزادی جامعه میزند و قوت و ضعف آن تابع افت و خیز این جنبش است. ما در این جنگ و نبرد طبقاتی علیه کلیت بورژوازی مرتجع در یک سنگریم. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزات درخشان و تلاش قهرمانانه شما درود میفرستد. فراخوان ما اینست که برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

پیشنهاد دهندگان: رضا کمانگر، سیاوش دانشور

شکل دادن به یک جنبش مجمع عمومی بعنوان ستون فقرات و پایه جنبش شورائی کارگری، نیاز بلافصل امروز و ایجاد پایگاه های قدرت کارگران است. کارگران در مبارزه جاری و در کشمکش برسر قدرت سیاسی به حزب سیاسی خود نیاز دارند. حزبی که نماینده دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری با پرچم سوسیالیستی است.

کارگران کمونیست و سوسیالیست، رهبران عملی مبارزات کارگری!

دوره حاضر وظایف خطیری را روی دوش شما میگذارد. هزاران اعتصاب و اعتراض محصول تلاش سازمانگرانه و رهبری و درایت سیاسی شماست. دوره حاضر باید دوره عروج و عرض اندام شما بعنوان رهبران سراسری مبارزه اجتماعی و طبقاتی باشد. تقویت و انسجام شبکه های کنونی در هر کارخانه و رشته معین تا ایجاد اتحادهای وسیع تر فراقابریکی، امر و تخصص شماست. مبارزات توده ای محرومان و زحمتکشان علیه فقر و فلاکت و تبعیض و زن ستیزی، تنها میتواند با هدایت سیاسی و دخالت آگاهانه پیشروان طبقه کارگر دورنمای پیروزی داشته باشد. وقت آنست که وارد عمل شوید، با تشخیص شرایط در بخشهای کلیدی از جمله حمل و نقل، صنایع نفت و مراکز مهم بخشهای مختلف، وارد اعتصاب شوید. دخالت مبتکرانه شما هم ضامن پیروزی جنبش توده ای برای سرنگونی است و هم برای رفع استبداد و استثمار و نفی هر نوع ستم و تبعیض، به یک رهبری سراسری و عملی در جدال جاری شکل میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بخشی لاینفک از مبارزه جاری کارگران برای بهبود و تغییر و حزبی برای واژگونی نظم سرمایه داری بعنوان مسبب مشقات کنونی است. فراخوان ما اینست که متحزب شوید، با تکیه به شبکه محافظ کارگری و رهبران عملی و واقعی کارگران پایه های یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند را ایجاد کنید و به کمتر از کسب تمام قدرت و ایجاد یک حکومت کارگری رضایت ندهید. طبقه ای که هر روز جامعه را روی دوش کار و تولید خویش سرپا نگهدارد و بازتولید میکند، خود نیز میتواند آنرا اداره کند. وقت آنست که کنترل مراکز کار و کارخانه ها را بدست گرفت. باید هر خلاء قدرت را با قدرت کارگری پر کرد و این قدرت را پایه قدرت



زنده باد همبستگی مبارزاتی کارگران!

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش

آزادی زن

آینده از آن ماست!

نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه

سرنگونی است!



این پیشروی اما ساده بدست نیامده است. ۴۳ سال پیش رژیم اسلامی سرکوب انقلاب را با تعرض به زنان شروع کرد. حمله به آزادی و حقوق زن با تحمیل حجاب اسلامی و اجبار قانونی آن شروع شد. تحمیل حجاب اسلامی و جداسازی زن و مرد در جامعه، نه یک "انتخاب فرهنگی زنان" بلکه با قوه قهریه و اسیدپاشی و پونز کوبیدن به پیشانی زنان توسط لمپنهای جریان اسلامی صورت گرفت. هدف جمهوری اسلامی فقط تحمیل حجاب بمثابه بیرق بردگی زن نبود، بلکه محدودیت همه جانبه زنان در عرصه های اجتماعی و نهایتاً حذف آنان از جامعه هدف غایی معماران طرح حجاب اسلامی بود. تبلیغات و سرمایه گذاری وسیع برای تبیین "مهم ترین وظیفه زنان" برای رفت و روب و همسرداری و ماشین زاد و ولد برای اسلام، انواع طرحهای محدود کننده ابراز وجود اجتماعی زنان، قرار بود زن را بمثابه انسان انکار کند. قوانین آپارتاید جنسی، اشاعه فرهنگ ضد زن و تشویق مردان به "ناموس پرستی" و اعمال خشونت قانونی علیه زنان، قرار بود زنان را به سکوت وادارد.

ما مبارزه ای خونین با تلفات بیشمار داشته ایم، اما تن ندادیم، تسلیم نشدیم، قدم بقدم عقب شان راندیم و در شرایطی بسیار نابرابر توانستیم در مراکز آموزشی و بازار کار، در جامعه و در خانواده، در سیاست و در حضور اجتماعی رژیم اسلامی را عقب برانیم. توانستیم قوانین را زیرپا بگذاریم و بتدریج افکار عمومی و مردان برابری طلب زیادی را در صفوف مبارزه علیه ستمکشی زن جلب و بسیج کنیم. زنان در ایران برای کسب حقوق انسانی خود پروسه ای دردناک، تلخ و همزمان بسیار شورانگیز و پرافتخار را پیموده اند. دستاوردهای مبارزه ما بیشمار است. نفس اینکه مسئله زن به یکی از مسائل حاد جامعه ایران بدل شده، حاصل این مبارزه پرشور است. برخلاف اظهارات آغشته به فرهنگ مردسالاری، زنان نه "دوش بدوش مردان" بلکه جلودار اعتراضات توده ای و مبارزات اجتماعی بودند. باوجود قوانین محدود کننده، زنان در مراکز آموزشی و جامعه حضور پر رنگی دارند و یک فاکتور مهم اجتماعی برای تغییر فرهنگ جامعه بودند. علیرغم پیشروی ها اما هنوز بیکاری در میان زنان بیداد میکند، فقر و تبعات اجتماعی آن از زنان بیشترین قربانی را میگیرد، زنان در ازای کار مشابه دستمزد برابر ندارند و با ناامنی اقتصادی و اجتماعی بیشتری دست بگریبانند.

صفحه ۱۳

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شما زنان آزادیخواهی که الگوی جهانیان شده اید درود میفرستد. تعرض انقلابی و شجاعانه شما به دژ ارتجاع در خاورمیانه دنیا را تکان داده است. رژیم زن کش و آزادی کش جمهوری اسلامی با گلوله و توحش ضد زن بمصاف شما آمده است اما شما قلب میلیاردها انسان آزاده را در جهان با خود دارید. ما همواره اعلام کردیم که زنان از گورکنان نظم آپارتاید جنسی اند و شما به دنیا نشان دادید که دیگر حاضر نیستید بیش از این تحمل کنید و با عزمی راسخ و انقلابی برای بگور سپردن رژیم ضد زن اسلامی بمیدان آمده اید. نبرد شورانگیز جاری و پیروزی شما، نه فقط ایران بلکه کل منطقه و جهان را تحت تاثیر عمیق خود قرار میدهد. شما با حجاب سوزان و نفی هر آنچه که ضد زن است، دارید تاریخ نوینی می سازید.

جنبش آزادی زن در ایران یک حرکت عظیم اجتماعی است که درگیر مبارزه ای بیوقفه علیه مهمترین سنگر ارتجاع و اسلام سیاسی است. مسئله زن یکی از محوری ترین مسائل جامعه است که امر برابری و رفع تبعیض هدف عمومی آن و نفی حجاب اسلامی و نظام آپارتاید جنسی هدف بلافصل آنست. برای رفع تبعیض براساس جنسیت و تحقق برابری در تمام شئون زندگی اجتماعی باید علیه نابرابری بنیادی در نظام سرمایه داری جنگید و برای نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. مصاف قدرتمند جاری علیه حجاب و قوانین ضد زن و پیروزی در این نبرد، شرط لازم برای پیشروی و نفی کامل فرودستی زن در جامعه و نظام نابرابر کنونی است. تودهنی قدرتمند زنان به حکومت در سال جاری با شعار "حجاب بی حجاب"، به مصاف طلبیدن آشکار دستگاه سرکوب و پرت کردن و آتش زدن حجاب اسلامی، نبرد جسورانه زنان علیه نیروهای سرکوب و دستجات اسلامی، حکومتی ها را دچار انشقاق و عقب نشینی کرده است. نفس اینکه بخشی از مدافعان دیروز حجاب و آپارتاید امروز مخالف "حجاب اجباری" شدند، بیانگر قدرت جنبشی است که سر سازش با حکومت اسلامی ندارد. سپیده ها که به اعتراف عناصر حکومتی یک ارتش بیست میلیونی را تشکیل میدهند، کابوس هر آخوند و هر مرتجع مردسالار و مایه نگرانی جریاناتی است که فرودستی زن و تبعیض براساس جنسیت پلاتفرم آنهاست.

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به

جنبش آزادی زن

آینده از آن ماست!

نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه

سرنگونی است!

کلیه قوانین ضد زن و نفی نظامی است که در ستمکشی زن ذینفع است. سوال برسر امنیت و حقوق زن در جامعه و در خانواده و نفی خشونت در تمام سطوح و ارتقای فرد و جامعه است. سوال برسر پیروزی همه جانبه در جنگی دیرین است که امروز به مرحله تعیین کننده رسیده است.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به شما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و جنبش آزادی زن درود میفرستد و خود را بخشی لاینفک از این مبارزه پرشور میلیونی میداند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرچمدار مبارزه برای آزادی و برابری کامل و رهائی زن از مشقات سرمایه داری است. در این نبرد دورانساز و برای بزیر کشیدن حاکمیت آپارتاید جنسی و الغای حجاب اسلامی، برای نفی نابرابری و کلیه قوانین تبعیض گر و ضد زن، حزب در کنار و همسنگر شماست. ما در این کنگره اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی به گذشته تعلق دارد و آینده از آن شماست. بار دیگر ضمن ارج نهادن به تسلیم ناپذیری و جسارت شما زنان و مردان آزادیخواه، از فعالین و پیشروان جنبش آزادی زن دعوت می‌کنیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر به حزب کمونیست کارگری- حکمتیست ببینید!

پیشنهاد دهندگان: ملکه عزتی، پروین کابلی، هلاله طاهری، سیاوش دانشور



امروز اما در موقعیت ویژه ای هستیم و ورق را برگردانده ایم. امروز شاهد سیاست تعرض قدرتمند زنان به اوباش حکومتی هستیم. امروز آشکارا دستجمعی حجاب برمی‌داریم، جشن حجاب سوزان راه انداختیم و با عزم راسخ می‌گوئیم؛

حجاب اسلامی نمی‌خواهیم! دست آخوند و اسلام و فرهنگ پوسیده مردسالار و سرمایه از سر زنان کوتاه! امروز مبارزه ما سیاستهای ضد زن سازش با اسلام و قوانین اسلامی را به زیاله دان انداخته و همراه آن نگرش جامعه نسبت به مسئله زن را تغییر داده است. مدتهاست که موقعیت واقعی و اجتماعی زن در جامعه در تناقضی عمیق با موقعیت برده وار قانونی آن قرار دارد. اگر دیروز حجاب اسلامی از پایه های اصلی حکومت اسلامی بود و برای حفظ آن به هر خشونت دست میزد، امروز از سر استیصال و ناتوانی مقابله با صف میلیونی زنان، ناچاراً گامهایی عقب نشستند، بخشاً خواهان جمع کردن گشت ارشاد شدند، از اخبار کتک خوردن آخوند و دستجات "نهی از منکر" به تنگ آمدند و به جرمه نقدی و نصب دوربین در معابر عمومی و مترو رو آوردند. اگر دیروز دختر آبی برای حضور در استادیوم فوتبال خود را به آتش میکشید، امروز فشار زنان برای استیفای حقوق بدیهی خود ناچارشان کرده بطور محدود درب استادیومها را باز کنند. و بالاخره قتل حکومتی مهسای عزیز جرقه ای بود بر انبار باروت نفرت انباشته ما از حاکمیت ضد زنی که بیش از چهار دهه نفس موجودیت ما را انکار کرده است. ما خروشیدیم تا برچینیم بساط تحقیر و بردگی را، تا برپا کنیم دنیائی نو را!

اما باید کار ناتمام را تمام کنیم. باید متشکل شویم. باید برای ایجاد سازمانهای توده ای زنان با اتکا به شبکه های مبارزاتی مان نقشه مند گام برداریم. تصور یک جامعه آزاد بدون حضور وسیع و برابر زنان خیالی باطل است. ما همواره گفته ایم که هر تحول سیاسی در ایران رنگی زنانه به معنی حضور قدرتمند و توده ای زنان دارد. امروز دنیا دارد به این واقعیت اذعان میکند. امروز همه از "انقلاب زنان در ایران" سخن می گویند. امروز دنیای ارتجاع از حرکت بی نظیر و انقلابی شما شوکه شده است. ضروری و مبرم است که هرچه وسیعتر مردان برابری طلب به صفوف این مبارزه ببینند و در محل کار و خیابان و محل زندگی همراه و همسنگر با زنان علیه حقارت جمعی بپاخیزند.

آزادی بطور کلی و آزادی بطور اخص، امری جنسیتی نیست. آزادی زن بطریق اولی تنها امر زنان نیست. سوال برسر برابری زن و مرد بمثابة انسان است. هدف تحقق برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی است. سوال برسر الغای

آدرسهای تماس با حزب
کمونیسست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراهای را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه ویژه کنگره دهم حزب حکمتیست

مهر ۱۴۰۱ - اکتبر ۲۰۲۲

سر دبیر سعید یگانه

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!